

Quranic Prerequisites of Mahdism Doctrine with Emphasis on Social Approach

(Received: 2025-02-18 Acceptance: 2025-06-21)

Rouhollah Shakeri Zavardahi ¹ 

Abstract

Mahdism is an idea that, among all Islamic sects and denominations, has received attention not only in its individual dimension but also in its social approach, enjoying a prestigious position, such that none of the Islamic sects deny the appearance of the Promised Savior. Of course, there may be some differences regarding certain matters such as birth or lineage, but there is no disagreement on the principle of salvationism and the expansion and spread of social justice in light of a unified global government. This indicates the inevitability of end-time salvation and the universality of the Mahdism doctrine in Islam, and throughout history, its acceptance among Muslims has been an obvious and certain matter. However, one of the most important concerns of Muslims is: what is the Quranic perspective on the Mahdism doctrine? For instance, does it address only its individual dimension, or the social dimension, or both? And fundamentally, do Quranic verses indicate what has been accepted in narrations regarding this issue? To answer these questions, it is first necessary to analyze this doctrine, and the prerequisites of this research should be examined and evaluated through a descriptive-analytical method based on the knowledge of Quranic exegesis or interpretation of Quranic verses. In Islamic thought, especially Twelver Shi'ism, the Quran is among the most important sources of the Mahdism doctrine in its social dimension, and therefore its achievements can be carefully examined and investigated in light of the typology of Mahdist verses, the method of understanding and analyzing them, and the Quran's treatment of certain doubts in this regard.

Keywords: Mahdism, Quranic Verses, Typology, Method of understanding Mahdist Verses, Righteous Servants, Inheritors of the Earth.

مطالعات اجتماعی
و تمدنی

دوره چهارم

شماره اول

پیاپی: ۷

بهار و تابستان

۱۴۰۴

1. Associate Professor, Department of Shi'a Studies, University of Tehran. Tehran, Iran.
shaker.r@ut.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

بایسته‌های قرآن‌شناختی آموزه مهدویت بر تأکید بر رویکرد اجتماعی

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۳۱)

روح الله شاکری زواردهی^۱ 

چکیده

مهدویت اندیشه‌ای است که در میان همه نحله‌ها و فرق مسلمان علاوه بر بعد فردی رویکرد اجتماعی آن مورد توجه قرار گرفته و از جایگاه فاخری برخوردار است، به گونه‌ای که هیچ یک از فرق اسلامی منکر ظهور منجی موعود نیست. البته در مورد برخی امور مانند تولد و یا نسبت آن ممکن است اختلافاتی وجود داشته باشند ولی در اصل نجات خواهی و بسط و گسترش عدالت اجتماعی در پرتو حکومت واحد جهانی، اختلافی نیست. این امر نشان از حتمیت نجات بخشی آخرالزمان و فراگیر بودن آموزه مهدویت در اسلام دارد و بطوریکه در طول تاریخ پذیرش آن در میان مسلمانان یک امر بدیهی و قطعی بود، منتهی یکی از مهمترین دغدغه مسلمانان این است که نگاه قرآن به آموزه مهدویت چگونه است؟ مثلاً فقط به بُعد فردی آن پرداخته یا بُعد اجتماعی یا هر دو. و آیا اصولاً آنچه در روایات در مسأله مورد پذیرش قرار گرفته، آیات قرآن بدان دلالت دارند؟ برای پاسخ به این سؤالات ابتدا لازم است این آموزه مورد تحلیل قرار گرفته و بایسته‌های این تحقیق با روش توصیفی، تحلیلی بر اساس دانش تفسیر قرآن کریم و با تأویل آیات قرآن مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرند، در اندیشه اسلامی بویژه شیعه امامیه، قرآن از مهمترین منابع آموزه مهدویت در بُعد اجتماعی هستند و لذا ره آورد آن را می‌توان در پرتو گونه‌شناسی آیات مهدوی، روش فهم و تحلیل آنها، پرداختن قرآن به برخی شبهات در این مورد امعان نظر و بحث و بررسی قرار داد.

واژگان کلیدی: مهدویت، آیات قرآن، گونه‌شناسی، روش فهم آیات مهدوی، عباد صالح، وارثان زمین.

۱. دانشیار، گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. shaker.r@ut.ac.ir



آیات مربوط به آموزه مهدویت در قرآن کریم نگاه جریان ساز و تحول اجتماعی دارد اگرچه به وظایف فردی غفلت نشده ولی نگاه کلی و منطقی به آیات ذیل دقیقاً به مسائل و موضوعات حکمرانی و بسط و گسترش عدالت، جهان توحیدی و امامت مستضعفان که همگی اینها توجه بعد اجتماعی و تحقق وعده الهی در جامعه مهدوی در راستای بندگی خداوند اشاره دارد. وعده خداوند متعال بخش جدایی ناپذیر زندگی اجتماعی بشر است، اگرچه عمده این وعده‌ها به دو امر ایمان و عمل صالح مشروط شده. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرٌ عَظِيمٌ» (مائده-۹) و یا «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...» (نور-۵۵) و ... [نکته مهم این است که خداوند متعال در قرآن بیش از بیست بار فرموده است، وعده خدا حق است و تخلف ناپذیر نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۶، ۳۶۴)]. منتهی باید توجه داشت تحقق جامعه توحیدی بدون آنها امکان‌پذیر نیست و لذا با مطالعه برخی آثار در این زمینه مثل «المحجة فیما نزل فی القائم الحجة تألیف محدث بحرانی» [مؤلف در یک بخش کتاب به نام نص المحجة، آیاتی از سوره بقره تا سوره عصر را به ترتیب که دارای روایت مربوط به امام عصر (ع) بوده است را ذکر نموده است. (ر.ک: بحرانی، ۱۴۲۷، ق، ۲۶۹-۲۶۷) همچنین در بخشی با عنوان مستدرک المحجة نیز برخی آیات را که قبلاً ذکر نکرده بود را با روایات مرتبط با امام دوازدهم ذیل آنها بیان نموده است. (ر.ک: همان، ۲۷۲-۲۷۸)] و یا کتاب «الامام المهدی (ع) فی القرآن و السننه» تألیف سعید ابومعاش، [مؤلف آیاتی از سوره بقره تا سوره نصر را که دارای روایات مرتبط با حضرت مهدی (ع) هستند به ترتیب ذکر نموده است. (ابومعاش، ۱۳۸۸، ۱۵-۵۵۶) سپس در آخر نکات پراکنده‌ای درباره امام عصر (ع) بیان کرده است. (همان، ۵۵۷-۵۷۳)] می‌توان اینگونه وعده‌ها را مشاهده و تفاسیر ذیل آن را با کمک روایات فهم کرد. البته در احادیث و تفاسیر، ۳۲۴ آیه مرتبط با وجود مقدس امام عصر (عج) شمرده شده است. (کورانی و همکاران، ۱۳۸۷، ۱-۲)

از سوی دیگر، از آن‌جا که آیات دارای ظاهر، باطن، تفسیر و تأویل است باید به کمک روایات، مشخص شود تفسیر آیات مرتبط با مهدویت چیست و به چه موردی از مسائل مهدویت اشاره دارد. طبیعتاً استفاده از قرآن کریم و استنباط‌های آن، ذیل مهدویت و سایر مسائل، الزامات و روش‌های خاصی را می‌طلبد که لازم است مفسران بدان توجه داشته باشند. از این‌رو در ادامه به این آیات و چگونگی دلالت آنها نظر خواهیم افکند و در کنار این مسائل، نقش قرآن را در پاسخ به

شبّهات مهدوی، مورد بررسی قرار خواهیم داد.

بیان مسئله

مهدویت به عنوان یک اصل کلیدی در اندیشه اسلامی، همواره توجه متفکران و عالمان دین را به خود جلب کرده است و یکی از عمده‌ترین مباحثی که در این حوزه مورد بحث قرار می‌گیرد، دیدگاه قرآن کریم نسبت به این آموزه و بخصوص ابعاد اجتماعی آن می‌باشد. در حالی که اکثر فرق اسلامی بر حتمیت ظهور منجی موعود توافق دارند، اختلاف نظرها عمدتاً به جزئیات مرتبط با آن نظیر تولد یا ویژگی‌های او محدود می‌شود. این در حالی است که یک پرسش بنیادین برای مسلمانان این است که آیا قرآن به طور کلی به بُعد اجتماعی مهدویت پرداخته است یا فقط به بُعد فردی آن اکتفا کرده است؟

از آنجا که آموزه مهدویت در تاریخ تفکر اسلامی به‌ویژه در میان شیعه با توجه به تعلیم قرآن کریم و روایات پیامبر اسلام و اهل بیت مورد ارزیابی قرار گرفته است، لازم است که تحلیل‌های دقیق‌تری پیرامون این آموزه و بخصوص نسبت آن با آیات قرآن صورت گیرد. به علاوه، تعداد ۳۲۴ آیه مرتبط با مهدویت در روایات شاهی بر اهمیت و گستردگی این موضوع در قرآن است. با اذعان به اینکه آیات قرآن به دنبال تأمین عدالت اجتماعی و ترویج ارزش‌های دینی، نقش موثری در زمینه‌سازی برای تحقق دولت جهانی مهدوی دارند، این مقاله به تبیین و تحلیل بایسته‌های قرآن‌شناختی آموزه مهدویت خواهد پرداخت و با تمرکز بر رویکرد اجتماعی آن، به این سؤالات پاسخ خواهد داد: آیات قرآن چه نوع نگرشی به مهدویت و ابعاد اجتماعی آن دارند؟ و چگونه می‌توان از این آیات جهت پاسخگویی به شبّهات و چالش‌های مرتبط با مهدویت بهره برد؟

پاسخ به این پرسش‌ها، و همچنین گنجاندن روش‌های توصیفی-تحلیلی در مطالعه آیات مهدوی، موجب درک عمیق‌تری از تأثیر آموزه مهدویت در ایجاد تحولات اجتماعی و عملی خواهد شد. لذا در این مقاله، سعی بر آن است تا به نحو جامع و علمی بایسته‌های منطق قرآن در گفتمان مهدویت و به‌ویژه بُعد اجتماعی آن بررسی و تحلیل شود.

۱. گونه‌شناسی آیات مهدوی

در یک دسته‌بندی کلی می‌توان آیات راجع به مهدویت را در سه محور کلی مورد بررسی قرار داد؛ اول، آیات درباره شناخت ماهیت نهضت امام مهدی (عج) که در پی آن یک شناخت نظام تعلیم وحی را ضروری می‌سازد، دو، چون خط‌مشی



این نهضت دینی همانند حرکت اصلاحی انبیاست، ناگزیر باید آیاتی که درباره اهداف، خطوط کلی و شیوه‌های حرکت انبیاست، بررسی شوند و سه، باید آیاتی که به نحوی مرتبط با ویژگی‌های عصر ظهور و دین‌ورزی است، مورد مطالعه قرار گیرد. دوم. آیاتی است که درباره شخصیت‌شناسی امام مهدی (عج) است. در این دسته از آیات نیز باید به مدلول و ویژگی‌های مقام امامت مثل «نصب»؛ «عصمت»؛ «برتری مقام امامت از نبوت» توجه داشت؛ دسته سوم از آیات، درباره مسائل پیرامونی موضوع مهدویت است. در نگاه همه فرق اسلامی، قرآن کریم مهمترین منبع اخذ و دریافت معارف اسلامی است و طبیعتاً در بدو نظر باید دیدگاه اسلام را در آموزه مهدویت از قرآن کریم به عنوان اصلی‌ترین مأخذ فهم معارف مهدوی دریافت کرد. لذا شایسته است در اینجا به مهمترین این آیات اشاره گردد.

۱.۱. استخلاف بندگان صالح

ظاهر برخی آیات مهدویت دلالت بر مباحث مرتبط با امام زمان دارد. مانند «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ (نور/ ۵۵) خدا به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هر کس پس از آن به کفر گراید؛ آنانند که نافرمانند.

این آیه یکی از صریح‌ترین آیات قرآن پیرامون آموزه مهدویت است که می‌توان به طور مختصر به نکات تفسیری دقیق آن اشاره کرد. مانند وعده خداوند متعال به مؤمنان، تخلف ناپذیری وعده الهی، وعده به استخلاف بندگان صالح، ثمرات تشکیل حکومت مهدوی مثل امنیت جهانی، بسط و گسترش دین اسلام در تمام کره خاکی؛ ایجاد حکومت توحیدی و نفی هرگونه شرک و بت پرستی در عالم هستی.

آیه مذکور با توجه به دیدگاه مفسران درباره زمانی است که مسلمانان به مدینه مهاجرت نموده، قبیله‌های دیگر به ویژه در مکه بر ضد آنان شورش کردند. در این زمان جامعه مسلمانان با تعداد محدودی که داشتند، با فقر و تهدید و تحریم

و جنگ و ناامنی گریبان‌گیر بودند؛ به گونه‌ای که دائم مهیای جنگ و سلاح به دست بودند. این سبب شد تا زندگی بر مسلمانان به سختی بگذرد و از این‌رو، برخی می‌گفتند که آیا زمانی خواهد آمد که با آرامش و راحتی زندگی کنیم؟ (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ۱۵۱) اما تحقق کامل این امنیت برای مسلمانان، در آن زمانی محقق خواهد شد که پایه‌های ستم در جهان ریشه‌کن گردد و آن هنگامه ظهور موعود موجود حضرت مهدی است. به همین سبب است که آیت الله مکارم شیرازی، پس از نقل برخی دیدگاه‌های تفسیری درباره آیه مورد بحث، یکی از نظریه‌ها را مرتبط با حکومت جهانی حضرت مهدی می‌داند و می‌نویسد:

گروهی آن را اشاره به حکومت مهدی (عج) می‌دانند که شرق و غرب جهان در زیر لوای حکومتش قرار می‌گیرد، و آئین حق در همه جا نفوذ می‌کند و ناامنی و خوف و جنگ از صفحه زمین بر چیده می‌شود، و عبادت خالی از شرک برای جهانیان تحقق می‌یابد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ۵۳۰)

بنابراین گرچه آیه با توجه به قرائن تاریخی شامل همان نصرت‌های نخستین زمان پیامبر اکرم (ص) پس از هجرت برای مسلمانان نیز می‌باشد؛ اما مصداق تام و کامل آن در زمان حکومت جهانی مهدی موعود محقق می‌شود. حتی برخی معتقدند گرچه الفاظ آیه مذکور، عام بوده و از سوی دیگر این وعده الهی در هیچ زمانی تحقق خارجی به معنای حقیقی و تام نداشته و در نتیجه مصداق آیه منحصر به زمان ظهور خواهد شد. (طیب، ۱۳۶۹، ج ۹، ۵۵۵) آنچه مهم است توجه به پیام‌های اجتماعی این آیه است که در قالب وعده الهی محقق خواهد شد:

الف) دین اسلام در تمام زمین بسط و گسترش و استقرار پیدا خواهد کرد «ولیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم» (نور-۵۵)

ب) ترس و ناامنی به امنیت جهانی تبدیل خواهد شد «و لیبدلنهم من بعد خوفهم امنا» (همان)

ج) تحقق جامعه توحیدی بدون هر نوع شرک و بت پرستی «یعبدون لی لا یشرکون لی شیئاً» (همان)

د) به حکم روایات ذیل این آیه مهمترین شاخص قیام امام مهدی (عج) که تقریباً در بیشتر روایات مربوطه به آن حضرت ذکر شده، فراگیر کردن عدل در سراسر گیتی، ریشه‌کن کردن ظلم و ستم می‌باشد. «... یملا الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱، ۸۱)

۲.۱. اظهار دین و غلبه اسلام در آخرالزمان



آیه دیگری که در این زمینه قابل ذکر است، این آیه شریفه است:
 هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ
 الْمُشْرِكُونَ. (توبه-۳۳؛ فتح-۲۹؛ صف-۹)

او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

مقصود از هدایت در این آیه شریفه، همان هدایت الهی است که در پرتو بعثت رسول خدا(ص) محقق شد و منظور از دین در این آیه، همان دین اسلام است. و ضمیر در «لِيُظْهِرَهُ» به دین اسلام بر می‌گردد نه کلمه رسول؛ زیرا ضمیر نیازمند مرجعی است که به نزدیکترین آن برگردد. آن مرجع نزدیکتر، کلمه دین است. این امری است که در آینده محقق خواهد شد و طبق روایات در زمان حضرت عیسی(ع) و حضرت مهدی(عج) محقق خواهد شد. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۲، ۱۰۴) همچنین طبری در این زمینه می‌گوید: در زمان نزول حضرت عیسی(ع)، تمام ادیان باطل و نابود می‌شود و تنها دین اسلام بر همه ادیان غلبه پیدا خواهد کرد. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ۱۰۹) از سعید بن جبیر روایت شده این آیه مربوط به مهدی(عج) از اولاد فاطمه است که خداوند او را بر همه ادیان، غالب خواهد کرد. (ابن صباغ، ۱۴۲۲، ۳۰۰)

در این آیه، غلبه جهانی دین مطرح گشته است. گرچه اسلام از نظر منطق و استدلال همیشه پیروز بوده است، اما این آیه، غلبه ظاهری و وعده حاکمیت اسلام بر جهان را بیان می‌کند. البته روایات متعدد سنی ذیل آیه مذکور آمده است مبنی بر این که با خروج عیسی کافری نمی‌ماند مگر اینکه اسلام آورد. [حدثنا ابن وکیع، قال: ثنا حميد بن عبد الرحمن، عن فضيل بن مرزوق، قال: ثني من سمع أبا جعفر: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ قَالَ: إِذَا خَرَجَ عِيسَى (ع) اتبعه أهل كل دين. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ۸۲)] اما در منابع حدیثی شیعی، آن را به خروج امام مهدی(عج) - «قائم» - مرتبط دانسته‌اند. [عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» قَالَ: إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ مُشْرِكٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَلَا كَافِرٌ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجُهُ. (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ۸۷) با توجه به احادیث مشابه، مفاد حدیث مذکور ناظر به زمانی است که نزول عیسی در هنگامه ظهور حضرت مهدی محقق گردد.]

برخی از آیات مهدویت نیز بیان‌کننده یکی از مصادیق آیه مورد نظر هستند که در کاربست مهدوی قابل تعریف است. مانند:

«قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ» * قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ (حجر-۳۶، ۳۷)

گفت: «پروردگارا، پس مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد مهلت ده.» فرمود: «تو از مهلت یافتگانی. طبق نظر مفسران و سیاق آیات قبل و بعد، آیه پیش‌گفته مربوط است به داستان مهلت خواستن ابلیس از خدا و مهلت دادن خدا به او. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ۵۱۹، ۵۱۸) روایات متنوعی ذیل این آیه نقل شده است؛ برخی دلالت دارند بر کشتن‌شدن شیطان توسط امام مهدی. [عَنْ وَهْبِ بْنِ جُمَيْعٍ مَوْلَى إِسْحَقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ قَوْلِ إِبْلِيسَ: «فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ» قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» قَالَ لَهُ وَهْبٌ: عَلَتْ فِدَاكَ أَيُّ يَوْمٍ هُوَ؟ قَالَ: يَا وَهْبُ أَتَحْسَبُ أَنَّهُ يَوْمٌ يَبْعَثُ اللَّهُ فِيهِ النَّاسَ، إِنْ اللَّهُ أَنْظَرَهُ إِلَى يَوْمٍ يَبْعَثُ فِيهِ قَائِمَنَا، فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ قَائِمَنَا كَانَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَجَاءَ إِبْلِيسُ حَتَّى يَجْثُو بَيْنَ يَدَيْهِ عَلَى رُكْبَتَيْهِ فَيَقُولُ: يَا وَيْلَهُ مِنْ هَذَا الْيَوْمِ. فَيَأْخُذُنَا صَيْتُهُ فَيَضْرِبُ عُنُقَهُ، فَذَلِكَ الْيَوْمُ الْوَقْتُ الْمَعْلُومُ. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ۱۴)]

۳.۱. وراثت صالحان بر ارض

گاهی مباحث مهدویت با آیه بر اساس ارائه‌دهنده فرد خارجی برای مفهومی ذهنی یا همان تطبیق مفهوم بر مصداق است. مانند:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ. (انبیاء-۱۰۵)

و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

آیه مربوط به عبارات کتاب زبور حضرت داود یعنی «مردان صالح، وارث زمین خواهند شد» است که در بردارنده مجموعه مناجات‌ها، نیایش‌ها و اندرزهای او است و این کتاب بعد از تورات نازل شده و مراد از «ذکر» در این آیه همان تورات است. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۵، ۵۰۳) در روایاتی آمده است آن بندگان صالحی که وارث زمین خواهند شد، یاران حضرت مهدی هستند [و قوله: وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ قَالَ: الْكُتُبُ كُلُّهَا ذِكْرٌ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ قَالَ: الْقَائِمُ وَأَصْحَابُهُ قَالَ: وَالزُّبُورُ فِيهِ مَلاحِمٌ وَتَحْمِيدٌ وَتَمْجِيدٌ وَدَعَاءٌ. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ۴۶۴)]

نکات تفسیری که در این آیه می‌توان اشاره کرد، عبارت است از اولاً چرا منظور از ذکر تورات است؟ شاید بدان دلیل باشد که نخستین حکومت مقتدر صالحان که در تورات وعده داده شده است، در زمان داود نبی (ع) تحقق یافت. ثانیاً منظور از کلمه ارض، همه زمین با تمام گستره آن مد نظر است؛ زیرا به دو قرینه تعبیر قرآن «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» و آمدن کلمه «لَقَدْ» در ابتدای آیه، نشان



از آن دارد که وراثت کل ارض برای عبادت صالح قطعیت دارد. ثالثاً عباد صالح همان مؤمنان به دین اسلام و پیروان قرآن کریم می باشند و مصداق کامل این آیه، حکومت حضرت مهدی (عج) می باشد. (بحرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ۸۹)

۴.۱. امام مهدی (عج) مصداق هادی اُمّت

آیه دیگر این آیه شریفه است:
وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ.
(رعد-۷)

و آنان که کافر شده اند می گویند: «چرا نشانه ای آشکار از طرف پروردگارش بر او نازل نشده است؟» [ای پیامبر،] تو فقط هشداردهنده ای، و برای هر قومی رهبری است.

جمله «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» در آیه شریفه دلیل محکم و متقنی است بر اینکه جانشینان پیامبر (ص) تا دامنه قیامت باید موجود باشند تا حجت بر خلق تمام شود. در این باب اخبار بسیاری بالغ بر بیست و شش حدیث مفصل و مختصر در تفسیر جمله «لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» به ائمه طاهرين شده است که هر کدام در زمان خود و در بعض این اخبار حسب و نسب و اسم هر يك را معین فرموده حتی غیبت حضرت بقیة الله (عج) و ظهور آن بزرگوار و پرکردن زمین را از عدل و قسط بیان فرموده اند. (طیب، ۱۳۶۹، ج ۷، ۳۱۰)

مثلاً در روایتی درباره وجود امام هادی (هاد) در هر زمان آمده است:
قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» فَقَالَ: «كُلُّ إِمَامٍ هَادِي كُلِّ قَوْمٍ فِي زَمَانِهِمْ». (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ۶۶۷)
روایاتی از این دست، نشان می دهد هیچ گاه زمین از هدایت گر بشر به عنوان حجت الهی، خالی نخواهد بود و امام مهدی نیز از مصادیق آن برای عصر حاضر تا قیامت محسوب می شود.

۵.۱. امامت مستضعفان در زمین

آیه دیگری که در این زمینه قابل ذکر است عبارت است از:
وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.
(قصص-۵)

و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند مَنّت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم
اگر به آیه نگاهی اجمالی شود، می توان گفت: آیه در صدد بیان یک حادثه خاص

و در زمان خاص نیست؛ بلکه دلالت بر یک قانون کلی و اراده و مشیت الهی برای تمام مستضعفان تا روز قیامت است. برای این ادعا قرآنی وجود دارد.

(الف) در آیه اراده خدا به صیغه مضارع «نُرید» آمده که دلالت بر استمرار دارد؛ (ب) اراده حتمی الهی بر عنوان «مستضعفان» وارد شده است. از این رو مستضعفان بنی اسرائیل خصوصیتی ندارند و طبیعتاً اختصاصی آنها نخواهد بود؛ (ج) روایات متعددی وجود دارد که در این زمینه الغای خصوصیت می‌کند. مانند: ۱. کلام علی (ع) در نهج البلاغه:

دنیا بر ما (آل محمد) باز گردد و مهربانی نماید مانند بازگشت شتر بد خو و گاز گیر به بچه خویش. و در پی آن خواند: (س ۲۸ ی ۵) «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» یعنی می‌خواهیم بر آنانکه در زمین ناتوان شمرده شده‌اند منت نهاده (توانا و بزرگوارشان گردانیم) آنها را پیشوایان و ارث‌برندگان (زمامداران دین و دنیا) قرار دهیم [لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ إِثْمَانِهَا عَظِفَ الضُّرُوسُ عَلَى وَلَدِهَا وَتَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ. وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. (سید رضی، نهج البلاغه، ۱۴۱۴، ح ۲۰۹، ۵۰۶)]

۲. امام علی (ع) در جای دیگر می‌فرماید:

مورد اشاره، همان آل محمد (ص) هستند. خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می‌شود، بر می‌انگیزد و به ایشان عزت می‌دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می‌کند. [عَنْهُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقِطْعِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَاطِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ عَبْدِ بْنِ يَحْيَى الثَّوْرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ (ع) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ قَالَ هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَّهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيُعِزُّهُمْ وَيُذِلُّ عَدُوَّهُمْ. (طوسی، ۱۴۱۱، ۱۸۴)]

۳. امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید:

همانا آیه مخصوص به صاحب امری است که در آخرالزمان ظهور کرده و جباریان و فرعونیان را نابود خواهد کرد. او شرق و غرب زمین را پر از عدل می‌کند، همان گونه که پر از ظلم شده باشد. (بحرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ۲۵۴)

در حقیقت اگر الغای خصویت بنی اسرائیل از آیه انجام شود، می‌توان به جرأت گفت: این آیه در مقام بیان گسترده‌ترین حکومت حق بر باطل به دست حضرت ولی عصر (عج) می‌باشد. چرا که «وجود مبارک مهدی آل محمد (ع) نیز چونان موسای کلیم پشت طاغوتیان و فرعونیان زمان خویش را خواهد شکست و جامعه



خسته از ظلم و بی عدالتی، نور خورشید مهر و عدالت را در جمال مهدوی خواهد دید.» (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ۹۶-۹۵)

آیات مهدوی محدود به همین چند آیه نیست؛ بلکه آیات متعدد و فراوانی وجود دارد. نظیر آیه «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» (ملک- ۳۰) و آیه «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» (لقمان- ۲۰) ...

۲. روش فهم و تحلیل آیات مهدوی

در کنار تقسیمی که از آیات مهدوی صورت گرفت، مسئله مهم، فهم این دسته از آیات است و این که با چه روشی می توان به فهم دست یافت؟ همان طور که در مباحث قبل گفته شد، قرآن دارای ظاهر، بطن، تفسیر و تأویل است و پیامبر اکرم^۹ و ائمه هدی: نقش بی بدیلی در تبیین آن ها دارند و نه تنها در حوزه متشابهات که در حوزه ظواهر و نصوص نیز بیان آنان حجت است. درباره مسئله مهدویت، چون به صورت مستقیم نمی توان آیه ای را به این امر نسبت داد، توجه به این مسائل از اهمیت بیشتری برخوردار است. بنابراین یکی از بهترین منابع مهم، روایات تفسیری است. با بررسی و مراجعه به آیات تفسیری متوجه خواهیم شد که یک بخش از روایات، بیانگر مصادیق آیه هستند؛ بخش دیگر، تأویل و بطن و بخش دیگر تفسیر آیات را روشن می سازد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ۱۲۱) در ادامه ذیل هر بخش توضیحاتی بیان خواهیم نمود.

۱. تفسیر آیات در مورد مهدویت: تفسیر در اصل به معنای کشف و پرده برداری است؛ تبیین مراد استعمالی آیات و آشکار کردن مراد جدی آن براساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره. (همان، ۱۳۶-۱۲۱) از این رو می توان برای نمونه به آیات اظهار (تسلط دین اسلام بر ادیان الهی)؛ [مانند آیه ۳۳، سوره توبه: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ». و آیه ۲۸ صف: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَنْتَ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرْتُ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ»]. آیه رفع فتنه از جهان؛ «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنَّ انْتِهَآءَ فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ». (انفال- ۳۹)] آیه وعده حکومت بندگان صالح و مؤمنان نیکوکار بر زمین؛ «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ». (انبیاء- ۱۰۵)] آیه قیام امام مهدی (عج) از نشانه های رستاخیز «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرُهُمْ». (محمد- ۱۸)] اشاره کرد.

۲. تطبیق آیات بر مهدویت: تطبیق (جری) در اصل به معنای انطباق یک مفهوم عام و کلی بر فرد خاص و جزئی است. (عمیدزنجانی، ۱۳۷۳، ۱۲۷-۱۲۶؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹، ج ۴، ۱۱۶) در بسیاری از احادیثی که ذیل آیات مهدویت آمده است، آیه‌ها بر مصداق یا مصداق اکمل در مسائل مهدویت، تطبیق شده‌اند که برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: روز قیام امام عصر (عج) از مصادیق غیب و ایام الله (بقره-۳؛ ابراهیم-۵) امام عصر (عج) بقیه الله است؛ مضطرب‌بودن امام عصر (عج).

۳. تأویل و بطن آیات در مورد مهدویت: برخی روایات تفسیری که ذیل آیات مهدوی نقل شده است، به تأویل به معنای اعم اشاره می‌کند. تأویل در اصل به معنای بازگشت دادن است و گاهی به معنای توجیه متشابه و معنای خلاف ظاهر لفظ می‌آید که به وسیله قرینه حاصل می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۹۹؛ طبرسی، ۱۳۹۵، ج ۳، ۱۳؛ معرفت، ۱۳۷۹، ج ۳، ۲۸) مانند تأویل حروف مقطعه در مورد مهدویت یا باطن حق و باطل؛ باطن آیات پیروزی روم و ایران.

۴. آیات مرتبط با مهدویت: مقصود آیاتی است که در احادیث با مسائل و موضوعات مهدویت به گونه‌ای مرتبط شده است که از نوع تفسیر، تطبیق و تأویل نیست. برای نمونه می‌توان به تشبیه جریان مهدوی در آیه ۲۴۹ بقره اشاره کرد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ۱۳۶-۱۳۱)

هرچند در مصادر فریقین مفاد آیاتی فراوان از قرآن به نحو تنزیل یا تأویل [به معنای تجرید از خصوصیات آیه و کشف ملاک و سپس تعمیم آن به مصداق دیگر و نیز به معنای تحقق عینی مفاد آیات، پس از آن که نزول آن‌ها در عصر وحی سپری شده است. (نجاززادگان، ۱۳۹۰، ۳۸)] درباره شخصیت امام مهدی (عج) و نهضت مهدوی و عصر ظهور با مسائل پیرامونی آن‌ها نقل شده است، اما وجود یک سری تفاوت‌ها قابل توجه است.

مشهور مفسران سنی نیز که به طور طبیعی از روایات الهام گرفته و مباحث تفسیر را رقم زده‌اند، تنها به بررسی دلالت آیات بر نزول حضرت عیسی (ع) و سیطره اسلام در عصر ظهور پرداخته‌اند. هم‌چنین بخشی از معارف قرآن براساس روایات فراوان از اهل بیت: در زمینه مهدویت، به مسئله غیبت، رجعت، منزلت آگاهان به مقام امامت، ارزش انتظار و منتظران و... اختصاص دارد که از مختصات روایات شیعی است و در روایات تفسیری اهل تسنن و به تبع آن در تفاسیر آن‌ها بررسی نشده است. (نجاززادگان، ۱۳۸۹، ۳۹-۳۸) همین‌طور می‌توان گفت حجم انبوهی از معارف مهدویت در روایات اهل بیت:، در سطح بطونی آیات قرار دارد



و چون اهل تسنن با شیعه از یک سو، در این باره اختلاف مبنایی دارند و از سوی دیگر، اساساً در مصادر تفسیری مشهور اهل تسنن از آن‌ها ذکر بی‌میان نیامده است. (همان، ۳۹)

۵. آیات مهدوی را می‌توان در سه حوزه بینشی و نگرشی و کنشی (رفتاری) مورد ملاحظه قرار داد زیرا توجه به این آیات ابتداء باعث شکل‌گیری بینش و نگرش در وجود افراد نسبت به آینده مطلوب می‌شود و طبیعت و واکنش‌هایی را در حیطه رفتاری و کنشی افراد جامعه خواهد کرد و وقتی کنش‌ها از مرحله تک تک افراد عبور کند باعث شکل‌گیری کنش‌های وسیع‌تر در جریان‌های فکری، اقشار و گروه‌های اجتماعی و اقشار مختلف جوامع بشری خواهد شد، و نتیجه آن تأثیر و تغییر نگاه و رفتار جامعه نسبت به آموزه مهدویت شده و باعث تحقق انتظار فعال و سازنده بین توده مردم خواهد شد و این کنش اجتماعی مثبت، همان تحقق وعده الهی در قرآن و روایات است.

۳. قرآن و پاسخ به شبهات مهدویت

با توجه به هیمنه قرآن به حقائق دینی و تبیین بودن آموزه‌های قرآنی برای همه مسائل انسانی و اجتماعی انتظار می‌رود قرآن در باب مسائل مهدوی نیز سکوت نکرده و نقش روشن‌گری ایفا کند. آنچنان که بیان شد و محققان قرآنی و مهدوی نیز اذعان داشته‌اند، مسئله مهدویت در آیات قرآن به عنوان مهدویت منعکس نشده است؛ ولی می‌توان از دلالت آیات فراوان قرآن در کنار تبیین‌های معصومان: برخی از مهم‌ترین مسائل مهدوی را از منظر قرآن تفسیراً و تأویلاً فهمید.

یکی از اقداماتی که دشمنان علیه اسلام و آموزه‌های وحیانی و مسئله مهدویت انجام می‌دهند، ایجاد شبهه و شبه‌افکنی است تا از این طریق بتوانند اهداف شوم خود را پیاده سازند. در این روش که قرآن کریم نیز به آن تصریح می‌کند، دشمنان با مشتبه کردن امور و خلط بین حق و باطل، بر باور مردم تسلط می‌یابند و آن‌چه را می‌خواهند، به مردم القا می‌کنند. (حسینی علی‌آباد، ۱۳۹۷، ۶۵)

امیرمؤمنان علی(ع) در علت نام‌گذاری شبهه می‌فرماید:

وَإِنَّمَا سُمِّيَتْ الشُّبْهَةُ شُبْهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ. (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، خ ۳۸، ۸)

شبهه را شبهه نام نهادند، زیرا شباهت به حق دارد.

بنابراین، شبهه از خلط حق و باطل نشئت می‌گیرد و موجب درآمیختن و پوشیده شدن امور بر افراد می‌شود.

بررسی مسئله مهدویت نشان می‌دهد اهل بیت(ع) از همان آغاز که سوگیری فکر و اعتقاد دشمنان مهدویت را به این موضوع مشاهده کردند، به مقابله با شبهات

آنان پرداختند و به صورت قاطع به شبهات منکران مهدویت پاسخ داده و راه را بر دشمنان این آموزه سد کردند و اجازه ندادند مقوله مهدویت در دیدگاه شیعه با چالش اعتقادی و خوانشی متفاوت، مواجه باشد. این مسئله از نگاه قرآن نیز قابل دفاع است که در این جا سعی خواهیم کرد، پاسخ و ادله قرآن را در مواجه با یکی از این شبهات مورد بررسی قرار دهیم.

۱.۳. فلسفه عدم ذکر نام حضرت در قرآن

قرآن برای معرفی شخصیت‌ها به مقتضیات حکمت و بلاغت، از سه راه استفاده کرده است:

۱. گاهی اسم خود شخص آورده می‌شود. مانند این آیه شریفه «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ». (آل عمران-۱۴۴)

۲. گاهی معرفی از طریق اعداد و تعداد است. به گونه‌ای که مثلاً در مورد نقبای بنی اسرائیل آمده:

وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا. (مائده-۱۲)

و از ایشان دوازده نقیب مبعوث کردیم.

۳. در برخی از موارد معرفی به واسطه صفت و ویژگی است. خدای متعال از این شیوه برای معرفی رسول اکرم ۹ استفاده کرده است:

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ... (اعراف-۱۵۷)

هم آنان که پیروی کنند از آن رسول (ختمی) و پیغمبر امی که در تورات و انجیلی که در دست آن هاست (نام و نشان و اوصاف) او را نگاشته می‌یابند که آن‌ها را امر به هر نیکویی و نهی از هر زشتی خواهد کرد و بر آنان هر طعام پاکیزه و مطبوع را حلال و هر پلید منفور را حرام می‌گرداند.

با تعمق در آیات شریف متوجه خواهیم شد که خدای متعال برای معرفی آخرین ذخیره الهی، بیشتر به ذکر اوصاف ایشان پرداخته است. شاید بتوان گفت بنابر مصلحت‌هایی که در کار بوده نام ایشان و سایر معصومان (ع) در قرآن عیناً ذکر نگردیده است. (یوسفیان، ۱۳۸۸، ۲۱-۱۷)

۲.۳. قرآن کریم و پاسخ به شبهه طول عمر حضرت

یکی از شبهات مخالفین مهدویت و منکران وجود امام مهدی (عج) مسئله طول عمر آن حضرت است. آن‌ها طول عمر یک انسان را تا این مقدار بعید شمرده و



از این رهگذر وجود چنین کسی را در این زمان انکار می‌کنند. سائح علی حسین مغربی می‌گوید: اهل سنت نظریه بقاء و زنده ماندن مهدی بیش از هزار سال تا هر زمان که خدا بخواهد را مورد انتقاد قرار دادند، عمری به این مقدار هرگز در بین بشر مرسوم نبوده و دلیلی نیز از شرع بر آن وجود ندارد. (رضوانی، ۱۳۸۴، ج ۱، ۵۰۷) یا ناصر القفاری کسی که با نوشتن کتاب اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه، شبهات متعددی به باورهای شیعه از جمله اندیشه مهدویت وارد کرده است، در این رابطه چنین می‌نویسد:

یکی از نکاتی که بر دروغ بودن ادعای وجود امام از سوی شیعیان دلالت دارد، بعید بودن زنده ماندن او در طول این مدت است که تاکنون بیش از هزار و صد سال از آن گذشته است؛ چون همان طور که ابن تیمیه گفته است به درازا کشیدن عمر یکی از مسلمانان به این اندازه، چیزی است که عادت شایع در امت محمد آن را تکذیب می‌کند؛ زیرا هیچ شخصیتی که در عصر اسلام متولد شده باشد وجود ندارد که ۱۲۰ سال عمر کرده باشد. (القفاری، ۱۴۱۴، ۷۰۶)

در پاسخ به این شبهه می‌توان این امر را به لحاظ عقلی و علمی ثابت کرد، اما آن چه مدنظر این نوشتار است، اثبات طول عمر حضرت (ع) به واسطه آیات قرآن کریم است، لذا از این منظر این شبهه را این گونه رد خواهیم ساخت.

۱.۲.۳. بیان امکان طول عمر براساس مشیت الهی در قرآن

از آن جایی که تمام عالم وجود در حیطه قدرت باری تعالی است، حیات و مرگ همه موجودات و نیز عمر طولانی و یا عمر کوتاه در اختیار خود انسان و یا دیگران نیست و تنها خداوند است که زمان دقیق اجل و مرگ را تعیین می‌کند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ اَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ اُنْثٰى وَلَا تَضَعُ اِلَّا بِعِلْمِهٖ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُّعْمَرٍ وَلَا يُنْقَضُ مِنْ عُمْرِهٖ اِلَّا فِیْ كِتَابٍ اِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ یَسِیْرٌ. (فاطر- ۴۳)

و خدا شما (نوع بشر) را (نخست مردی) از خاک بیافرید و سپس از نطفه (آن مرد دیگری) را خلق کرد و بعد از آن شما را جفت (مرد و زن) قرار داد و هیچ زنی بار نگیرد و نژاید جز به علم و اراده او و کسی عمر طولانی نکند یا از عمرش کاسته نشود جز آن که همه در کتاب (علم ازلی حق) ثبت است و این (ضبط اعمار و اجال خلق) بر خدا بسیار آسان است.

چنان که از اطلاق آیه به دست می‌آید نه در جنبه نقص و نه در طرف زیادی، برای عمر انسان حدی تعیین نشده است، لذا طولانی شدن عمر انسان محدود به حد

معینی نیست و انسان از نظر قدرت الهی می‌تواند عمری بسیار طولانی داشته باشد. (حائری‌پور، ۱۳۹۶، ج ۲۳، ۲۹) چنان‌چه خداوند این امر را در جریان عزیر نبی(ع) نشان می‌دهد:

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانْظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوها لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

یا چون آن کسی که به دهکده‌ای گذر کرد، درحالی‌که دیوارهای آن بر روی سقف‌هایش فروریخته بود [و اجساد ساکنانش پوسیده و متلاشی به نظر می‌آمد] گفت: خدا چگونه اینان را پس از مرگشان زنده می‌کند؟ پس خدا او را صد سال میراند، سپس وی را برانگیخت، به او فرمود: چه مقدار [در این منطقه] درنگ کرده‌ای؟ گفت: یک روز یا بخشی از یک روز درنگ کرده‌ام. [خدا] فرمود: بلکه صد سال درنگ کرده‌ای! به خوراکی و نوشیدنی خود بنگر که [پس از گذشت صد سال و رفت و آمد فصول چهارگانه] تغییری نکرده و به دراز گوش خود نظر کن [که جسمش متلاشی شده، ما تو را زنده کردیم تا به پاسخ پرسشت برسی و به واقع شدن این حقیقت مطمئن شوی] و تا تو را نشانه‌ای [از قدرت و ربوبیت خود] برای مردم [در مورد زنده شدن مردگان] قرار دهیم، اکنون به استخوان‌ها [ی دراز گوشت] بنگر که چگونه آن‌ها را برمی‌داریم و به هم پیوند می‌دهیم، سپس بر آن‌ها گوشت می‌پوشانیم. چون [کیفیت زنده شدن مردگان] بر او روشن شد، گفت: اکنون می‌دانم که یقیناً خدا بر هر کاری تواناست. (بقره-۲۵۹)

بنابراین خدایی که بر هر کاری تواناست و می‌تواند عزیر نبی(ع) را با آن شرایط زنده کند، چنین قدرتی را دارد که بنابه مصلحت‌هایی، عمر ولی عصر(عج) را طولانی کند. آیت‌الله سبحانی در این رابطه می‌فرماید:

کسانی که می‌پرسند آیا عمر طولانی امام زمان(عج) امکان دارد یا نه؟ شناختی از وسعت قدرت خداوند متعال ندارند. چنان‌که فرموده: «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ» (زمر-۶۷) چرا که اگر حیات و غیبت و سایر شئون آن حضرت به عنایت خداوند است، چه مشکلی وجود دارد در این که عمر او را هرچه بخواید طولانی سازد و از وجود او مرض‌ها را دور کند و زندگی گوارایی را برایش فراهم سازد. به دیگر سخن، زندگی طولانی فی‌نفسه یا ممکن است یا محال؛ دومی را هیچ‌کس قائل نشده است، پس اولی معین است. بنابراین هیچ مانعی وجود ندارد از این که خداوند



برای تحقق غرضی از اغراض تشریع، عمر ولی اش را طولانی گرداند. (سبحانی، ۲۰۰۱، ۲۲۸)

۲.۲.۳. قرآن کریم و مصداق شناسی طول عمر

خبر دادن خود قرآن از کسانی که عمر طولانی داشتند، تأیید دیگری است بر این موضوع؛ زندگی حضرت نوح (ع) بهترین شاهد این امر است:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ. (عنکبوت-۴۱)

و همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس نهصد و پنجاه سال در میانشان درنگ کرد [ولی بیشتر مردم به او ایمان نیاوردند]، سرانجام توفان آنان را در حالی که ستمکار بودند، فرا گرفت.

هم چنین می توان به عمر طولانی حضرت خضر، حضرت عیسی و حضرت یونس (ع) نیز اشاره کرد. بنابراین طول عمر، منحصر به امام زمان (عج) نیست و کسانی بوده و هستند که عمر طولانی کرده اند و به معمرین مشهور گشته اند. در برخی از کتب قدما، بدان اشاره شده است. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ۵۴۹)

قابل ذکر است که علاوه بر دلایل نقلی در این زمینه، می توان از دلایل عقلی و حتی طبیعی و زیست شناختی هم بهره برد. بر فرض اینکه عمر طولانی امام زمان محال باشد؛ اما محال در اینجا به معنای عام آن نیست بلکه منظور محال عادی است نه محال عقلی. توضیح اینکه محالات به سه قسم تقسیم می شوند که دوتای آنها که همان محال ذاتی و محال وقوعی باشد را عقلی گویند و سومی را محال عادی یا غیر عقلی گویند. مثلاً معجزات انبیا و کرامات امامان. محال عادی یعنی چیزی بر اساس قوانین شناخته شده در طبیعت محال باشد؛ اما نکته مهم آن است که بر اساس قوانین غیرطبیعی، دیگر محال نیست. یعنی علت مادی ندارد؛ بلکه علت ماورایی یا متافیزیکی دارد. نیز بر اساس تحقیقات زیست شناختی گزارش شده توسط مرحوم آیت الله امینی در کتاب دادگستر جهان، عمر طولانی بر اساس شرایط خاصی امکان وقوعی دارد و عادتاً محال نیست. (امینی، ۱۳۸۸، ۱۷۳، ۱۹۹)

جمع بندی

۱. در یک دسته بندی کلی می توان آیات راجع به مهدویت را در سه محور کلی مورد بررسی قرار داد: نخست، آیات مربوط به شناخت ماهیت نهضت امام مهدی (عج) دوم، آیاتی که ناظر به شخصیت شناسی امام مهدی (عج) می باشند

و سوم، آیاتی که درباره مسائل پیرامونی موضوع مهدویت است. مانند آیات درباره «رجعت»؛ «انتظار» و «غیبت». از طرفی در قرآن کریم بنابه حکمت‌های خاصی نه نامی از امامان (ع) آمده و نه از امام مهدی (عج) به صراحت یاد شده است، منتها در احادیث و تفاسیر، ۳۲۴ آیه مرتبط با وجود مقدس امام عصر (عج) شمرده شده است.

همانطور که گذشت قرآن دارای بطن، ظاهر، تفسیر و تأویل است، لذا برای تشخیص آیات مهدوی باید تفسیر و تطبیق آیات بر مهدویت، تأویل و بطن آیات درباره مهدویت، مورد توجه قرار گیرد. البته هر یک از واژه‌های «تفسیر» و «تطبیق» دارای معنای خاصی است. تفسیر در اصل به معنای کشف و پرده‌برداری است؛ تبیین مراد استعمالی آیات و آشکار کردن مراد جدی آن براساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره، تطبیق (جری) در اصل به معنای انطباق یک مفهوم عام و کلی بر فرد خاص و جزئی است.

شیعه بر این باور است که امامت طبق کتاب و سنت نبوی از شاخه‌های اصول دین می‌باشد و به امامت عامه و امامت خاصه تقسیم می‌شود و مهدویت همان استمرار امامت خاصه می‌باشد. برخلاف نظر برخی فرق کلامی از اهل سنت که امامت را از فروع دین به حساب آورده و یا جزو مسائل فقهی می‌دانند.

نکته آخری که باید بدان توجه داشت این است که طبیعتاً دشمن برای به محاق بردن مهدویت بیکار ننشسته است و یکی از اقداماتی که در این رابطه انجام می‌دهد، ایجاد شبهه و شبه‌پراکنی است، اما بسیاری از این شبهات با استناد به آیات قرآن قابل حل است. چون آیات مهدوی یک پیام به همه مستضعفان و آزادگان و جریان جبهه حق و پیام‌های روشن اجتماعی مثل گسترش عدالت، و نجات توده مردم در ذیل حکومت مهدوی می‌باشد.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه (۱۴۱۴ ق). محمد بن حسین سید رضی، محقق و مصحح: صبحی صالح، قم: هجرت، چاپ اول.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۵). کمال الدین، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴. ابن صباغ، علی بن محمد. (۱۴۲۲ ق). الفصول المهمه، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۵. ابومعاش، سعید. (۱۳۸۸). الامام المهدی فی القرآن و السننه، مشهد: بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی.
۶. امینی، ابراهیم. (۱۳۸۸). دگستر جهان، قم: شفق.
۷. بحرانی، هاشم بن سلیمان. (۱۴۲۷ ق). المحجة فیما نزل فی القائم الحجة، قم: دار المودة.
۸. بحرانی، هاشم بن سلیمان. (۱۴۰۳ ق). تفسیر البرهان، بیروت: مؤسسه الرساله.
۹. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۰). امام مهدی (عج) موجود موعود، تحقیق و تنظیم: سید حسن مخبر، قم: نشر اسراء، چاپ هفتم.
۱۰. حائری یور، محمدمهدی. (۱۳۹۶). «پاسخ های قرآنی تفسیری به شبهه طول عمر امام مهدی (عج)»، پژوهش های مهدوی، ش ۲۳، ۳۸-۲۵.
۱۱. حسینی علی آباد، سید روح الله. (۱۳۹۷). «نگاه قرآنی به «شایعه» و «شبهه» در روش نفوذ فرهنگی دشمن از طریق رسانه»، فصلنامه معرفت، شماره ۲۴۷، ص ۵۹-۶۸.
۱۲. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین. (۱۴۱۲ ق). المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالشامیه.
۱۳. رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۸۵). منطق تفسیر قرآن (۲) روش ها و گرایش های تفسیر قرآن، قم: نشر جامعه المصطفی العالمیه.
۱۴. رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۸۹). «آیات مهدویت در قرآن از منظر احادیث تفسیری»، مطالعات تفسیری، ش ۴، ۱۳۰-۱۰۵.
۱۵. رضوانی، علی اصغر. (۱۳۸۴). موعودشناسی و پاسخ به شبهات، قم: مسجد مقدس جمکران.
۱۶. سبجانی، جعفر. (۲۰۰۱). الاثمه الاثنی عشر دراسه موزنه عن شخصیتهم و حیاتهم، بیروت: دارالاضواء، چاپ اول.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۹۵). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: المکتبه الاسلامیه، چاپ پنجم.
۲۰. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دار المعرفه.
۲۱. طوسی، محمد بن محمد. (۱۴۱۱ ق). الغیبه، قم: موسسه معارف اسلامی.
۲۲. طبیب، عبدالحسین. (۱۳۶۹). اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام.
۲۳. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ ق). تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.
۲۴. عمیدزنجانی، عباسعلی. (۱۳۷۳). مبانی و روش های تفسیری قرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۵. عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۲۶. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق). التفسیر الکبیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۲۷. قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). امر به معروف و نهی از منکر، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.

۲۸. القفاری، ناصر. (۱۴۱۴ ق). *أصول مذهب الشيعة الإمامية الاثني عشرية*، رياض: دار النشر.
۲۹. کورانی، علی و همکاران. (۱۳۸۷). *معجم احادیث الامام المهدی (عج)*، قم: کتاب جمکران.
۳۰. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق). *بحارالانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۱. معرفت، محمدهادی. (۱۳۷۹). *التفسیر و المفسرون*، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. نجارزادگان، فتح‌الله. (۱۳۸۹). *بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت‌شناسی امام مهدی (عج) در دیدگاه فریقین*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۴. یوسفیان، مهدی. (۱۳۸۸). *امام مهدی (عج)*، در قرآن، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، چاپ ششم.

Resources:

1. The Holy Quran.
2. Nahj al-Balagha (1993). Muhammad ibn Husayn Sayyid Radhi, verified and edited by: Subhi Salih, Qom: Hijrat, first edition.
3. Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali. (2016). Kamal al-Din, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
4. Ibn Sabbagh, Ali ibn Muhammad. (2001). Al-Fusul al-Muhimmah, Qom: Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute.
5. Abu Ma'ash, Sa'id. (2009). Al-Imam al-Mahdi fi al-Quran wa al-Sunnah, Mashhad: Astan Quds Razavi Research Foundation.
6. Amini, Ibrahim. (2009). Dadgoštar-e Jahan [The World's Judge], Qom: Shafaq.
7. Bahrani, Hashim ibn Sulayman. (2006). Al-Mahajjah fima Nazala fi al-Qa'im al-Hujjah, Qom: Dar al-Mawaddah.
8. Bahrani, Hashim ibn Sulayman. (1983). Tafsir al-Burhan, Beirut: Mu'assasat al-Risalah.
9. Javadi Amuli, Abdullah. (2011). Imam Mahdi (aj) Mawjud-e Maw'ud [Imam Mahdi: The Promised Existent], research and compilation by: Sayyid Hasan Mokher, Qom: Isra Publishing, seventh edition.
10. Haeri Pour, Mohammad Mahdi. (2017). "Quranic Exegetical Responses to the Doubt about Imam Mahdi's Longevity," Mahdavi Studies, No. 23, pp. 25-38.
11. Hosseini Aliabad, Sayyid Rouhollah. (2018). "Quranic Perspective on 'Rumor' and 'Doubt': Two Methods of Enemy's Cultural Infiltration through Media," Ma'rifat Quarterly, No. 247, pp. 59-68.
12. Raghīb Isfahani, Abu al-Qasim Husayn. (1992). Al-Mufradat fi Gharib al-Quran, Beirut: Dar al-Shamiyyah.
13. Rezaei Isfahani, Mohammad Ali. (2006). Mantiq-e Tafsir-e Quran (2) Ravesh-ha va Gerayesh-ha-ye Tafsir-e Quran [The Logic of Quranic Exegesis (2): Methods and Trends in Quranic Interpretation], Qom: Al-Mustafa International University Publishing.
14. Rezaei Isfahani, Mohammad Ali. (2010). "Verses of Mahdism in the Quran from the Perspective of Exegetical Hadiths," Exegetical Studies, No. 4, pp. 105-130.
15. Rezvani, Ali Asghar. (2005). Maw'ud-shenasi va Pasokh be Shobhat [Messianism and Responses to Doubts], Qom: Jamkaran Holy Mosque.
16. Sobhani, Ja'far. (2001). Al-A'immah al-Ithna 'Ashar Dirasah Mujazah 'an Shakhsiyyatihim wa Hayatihim, Beirut: Dar al-Adwa', first edition.
17. Tabataba'i, Sayyid Mohammad Husayn. (2011). Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom, fifth edition.
18. Tabarsi, Fadl ibn Hasan. (1993). Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Tehran: Naser Khosrow.
19. Tabarsi, Fadl ibn Hasan. (2016). Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Tehran: Al-Maktabah al-Islamiyyah, fifth edition.
20. Tabari, Muhammad ibn Jarir. (1992). Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Tafsir al-Tabari), Beirut: Dar al-Ma'rifah.
21. Tusi, Muhammad ibn Muhammad. (1991). Al-Ghaybah, Qom: Islamic Knowledge Institute.
22. Tayyib, Abd al-Husayn. (1990). Atyab al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Tehran: Islam.
23. Arousi Huwayzi, Abd Ali ibn Jum'ah. (1995). Tafsir Nur al-Thaqalayn, Qom:

Isma'iliyan.

24. Amid Zanjani, Abbas Ali. (1994). Mabani va Ravesh-ha-ye Tafsiri-ye Quran [Foundations and Methods of Quranic Exegesis], Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.

25. Ayyashi, Muhammad ibn Mas'ud. (2001). Tafsir al-Ayyashi, Tehran: Al-Maktabah al-Ilmiyyah al-Islamiyyah.

26. Fakhr Razi, Muhammad ibn Umar. (2000). Al-Tafsir al-Kabir, Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi, third edition.

27. Qara'ati, Mohsen. (2009). Amr be Ma'ruf va Nahy az Monkar [Enjoining Good and Forbidding Evil], Tehran: Cultural Center of Lessons from the Quran.

28. Al-Qaffari, Nasir. (1993). Usul Madhhab al-Shi'ah al-Imamiyyah al-Ithna 'Ashariyyah, Riyadh: Dar al-Nashr.

29. Kurani, Ali and colleagues. (2008). Mu'jam Ahadith al-Imam al-Mahdi, Qom: Jamkaran Book.

30. Majlisi, Mohammad Baqir. (1983). Bihar al-Anwar, Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi.

31. Ma'rifat, Mohammad Hadi. (2000). Al-Tafsir wa al-Mufasssirun, Qom: Al-Tamhid Cultural Institute.

32. Makarem Shirazi, Naser and others. (1992). Tafsir-e Nemuneh [Exemplary Exegesis], Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.

33. Najar Zadegan, Fath Allah. (2010). Barresi-ye Tatbiqi-ye Tafsir-e Ayat-e Mahdaviyyat va Shakhsiyyat-shenasi-ye Imam Mahdi dar Didgah-e Fariqayn [Comparative Study of the Exegesis of Mahdist Verses and Characterization of Imam Mahdi from Both Perspectives], Qom: Research Institute of Seminary and University.

34. Yusufian, Mahdi. (2009). Imam Mahdi dar Quran [Imam Mahdi in the Quran], Qom: Cultural Foundation of the Promised Mahdi, sixth edition.